Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir
Vol. 54, No. 2: Issue 129, Summer 2022, p.157-189

Online ISSN: 2538-3892
Print ISSN: 2008-9139

Receive Date: 18-01-2021
Revise Date: 31-05-2021
Accept Date: 16-06-2021

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.68337.1036
Article type: Original

Explaining the position of the jurisprudential rule of *la-haraj* (the fall of unbearable hard task according to habit) in Islamic urban planning

Dr. Asghar Molaei, Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran

Email: a.molaei@tabriziau.ac.ir

Abstract

The rule of *la-haraj* is one of the facilitative jurisprudence rules in Islamic jurisprudence and one of its practical fields is urban life issues. Harassment and hardship in the city can manifest in physical, mental, social and financial forms. The study of this rule in urban life includes issues such as difficulty in commuting due to long distances, lack of pedestrian orientation, traffic disruption, lack of public transportation, difficulty of using spaces for disabled people, noise pollution, congestion, urban floods .The results of the research show that in the Islamic city, the ground for the implementation of divine commandments should be provided and the planning and measures should provide the comfort and peace of Muslims. In the Islamic city, urban problems should be anticipated and taken into account in the process of urban planning, design and management. The application of this rule can have results in facilitating commuting, especially for the underprivileged, the efficiency and comfort of using urban furniture, transit spaces, access and stopping, etc. Also, the ease and well-being mentioned should be a specific achievement for all ages, social groups such as women, children, elderly, etc.

Keywords: rule of *la-harj*, Islamic city, urban life, urban issues, urban spaces, ease of living in the city.

Journal of Fiqh and Usul

سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۲۹ - تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۸۹ - ۱۵۷

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۲۵۳۸

تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۰۳/۲۶

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.68337.1036

تبیین جایگاه قاعده فقهیِ لاحرج در شهرسازی اسلامی

دکتر اصغرمولائی

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

Email: a.molaei@tabriziau.ac.ir

چکیده

قاعدۀ لاحرج از جمله قواعد فقهیِ تسهیل‌کننده در فقه اسلامی و ازجمله زمینه‌های کاربردی آن، مسائل زندگی شهری است. حرج و مشقت در شهر می‌تواند در گونه‌های جسمانی، روحی و روانی، اجتماعی و مالی جلوه‌گر شود. مطالعۀ این قاعده در زندگی شهری، مسائلی همچون صعوبت و دشواری در رفت‌وآمد به‌دلیل مسافت‌های زیاد، عدم پیاده‌مداری، اختلال در ترافیک، کمبود حمل‌ونقل عمومی، دشواری استفادۀ فضاها برای افراد کم‌توان و معلولان، آلودگی صوتی، ازدحام، سیلاب‌های شهری را شامل می‌شود. این جستار درپی تبیین ابعاد و مصادیق قاعدۀ لاحرج در زندگی شهری و جستجوی راهکارهای معطوف به شهرسازی اسلامی است که با روش تحلیل محتوای متن و استدلال منطقی با رویکرد مطالعه بین‌رشته‌ای و با به‌کارگیری شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در شهر اسلامی بایستی زمینۀ عمل به احکام الهی فراهم شود و برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات آسایش و آرامش مسلمانان را فراهم کند. در شهر اسلامی حرج‌های شهری باید در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری پیش‌بینی و مدنظر قرار گیرند. کاربست این قاعده می‌تواند در تسهیل رفت‌وآمد به‌ویژه برای اقشار کم‌توان، کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری، دسترسی و توقف و... نتایجی دربرداشته باشد. نیز سهولت و رفاه مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالخوردگان و... دستاورد مشخصی دربرداشته باشد.

واژگان کلیدی: قاعدۀ لاحرج، شهر اسلامی، زندگی شهری، مسائل شهری، فضاهای شهری، سهولت زندگی در شهر.

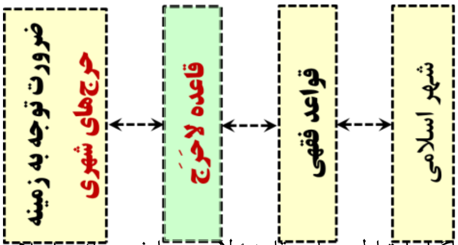
مقدمه

رشد و گسترش شهرها و تبدیل آن به شهرهای پرجمعیت و چندمیلیونی عاملی شد تا بسیاری از مسائل و مشکلات شهری؛ از قبیل مسکن، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، جرائم شهری، خشونت و ناآرامی شهری، اعتیاد، مهاجرت و... به‌صورت حاد پدیدار شوند (محسنی، ۲۵). قاعدهٔ عسروحرج از قوانین اسلامی است و این قانون مانند تمام قوانین دیگر برای رفاه بشر است. بر اساس این قانون، در اسلام هیچ‌گونه سختی و دشواری نیست و دین مبیّن اسلام برای بشر قوانینی مدون کرده است که افراد در رفاه و آسایش باشند. این موضوع توسط پیامبر و ائمه در احادیث متعدد تأکید و توسط علما، صاحب‌نظران متعدد نیز تفسیر شده است. بررسی این قاعده در زندگی شهری و نمونهٔ موردی شهر تبریز و عوامل مخل آن و نمودهای آسایش در ابعاد مختلف می‌تواند ابعاد طراحی شهری ایرانی_اسلامی را روشن‌تر کند. ضرورت و اهمیت این تحقیق از آنجاست که استناد به مبانی نظری بومی و تلاش به‌منظور کاربردی‌کردن آن‌ها می‌تواند موفقیت و تحقق‌پذیری اصول مربوطه را در جامعه افزایش دهد؛ چراکه مبانی بومی با اتصال به احساسات، اندیشه‌ها و اعتقادات ایرانی و اسلامی از نوعی پشتوانهٔ حس و منطق دینی_ملی برخوردار است. ازاین‌رو راهکارها و دستورالعمل‌های مستخرج از این مبانی در بین اعضای جامعه، پذیرش و مقبولیت بالاتری در عمل دارد. در این راستا سؤال‌های تحقیق بدین صورت مطرح می‌شوند: رابطهٔ قاعدهٔ نفی عسروحرج و کیفیات محیطی و زندگی شهری چیست؟ جایگاه قاعدهٔ نفی عسروحرج در کیفیات محیطی شهر تبریز چگونه است؟

ابتدا، آیات و احادیث مربوط به قاعدهٔ نفی عسروحرج مطالعه شده است و سپس نظریات علمای اسلام و صاحب‌نظران خارجی و ایرانی دربارهٔ کیفیت آسایش و راحتی تحلیل می‌شود. در ادامه با تمرکز موضوع مذکور در مسائل و زندگی شهری و مصادیق و انواع آن در شهر و فضاهای شهری... کیفیت مناسب این مصادیق تعیین می‌شود. در بخش نمونهٔ موردی، تحلیل‌ها و استنتاجات قبلی دربارهٔ شهر تبریز اعمال شده است تا با محک اسلامی، وضعیت، علل و راهکارهای مبتنی بر قاعدهٔ نفی عسروحرج ارائه شود.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مطالعهٔ مستقیم و جامعی در خصوص قاعدهٔ نفی عسروحرج در مسائل شهری انجام نشده است. روش تحقیق مقالهٔ حاضر، تحلیل محتوای متن و استدلال منطقی و پژوهش میان‌رشته‌ای است. فرض اولیهٔ تحقیق چنین است شهر اسلامی باید بر اساس احکام و اخلاق اسلامی برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شود، به‌طوری‌که این عمل بر مبنای احکام، موجبات زندگیِ توأم باآسایش و آرامش مسلمانان را فراهم آورد. به‌عبارتی دیگر، شهر ساخته‌شده (که می‌بایست بر مبنای احکام و اخلاق الهی احداث می‌شد) نباید سبب مشقت، سختی و ضرر مسلمانان باشد که اگر این وضعیت مشقت‌آور پدید آید، با قواعد فقهی، ازجمله با قاعدهٔ فقهی لاحرج انطباق ندارد. این ضرورت در

دیاگرام شکل یک دیده می‌شود، به‌طوری‌که قاعدهٔ لاحرج به‌عنوان یکـی از قواعـد فقهـی در شـهر اسـلامی می‌تواند با ضرورتِ توجه به مصادیق و زمینهٔ حرج‌های شهری بررسی، مطالعه و تبیین شود.



شکل ۱. دیاگرام ارتباط معنایی قاعدهٔ لاحرج با شهرسازی اسلامی (نگارنده)

۱. مفهوم‌شناسی قاعدهٔ لاحرج

حرج در لغت به‌معنای تنگی، مشقت و ضیق است. اصل حَرَج و حِراج، انباشته‌شدن و گردآمدن چیزی است، لذا معنای تنگی، سختی و فشار میان اجزای آن چیز متـراکم اسـت کـه تصـور می‌شـود، سـپس هـر سختی و گناه را نیز حَرَج گفته‌اند. خدای تعالی می‌فرماید: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا» (نسـاء: ٦٥)؛ سپس در دل‌هایشان احساس ناراحتی نکنند (راغب اصفهانی، ۲۲٦تا۲۲۷).

عسر نیز به‌معنای سختی، معیشت و نقطهٔ مقابل آن یُسر است. خدای تعالی فرمـود: «فَـإِنَّ مَـعَ الْعُسْـرِ يُسْرًا» (انشراح: ۵)؛ پس [بدان که] با دشواری آسانی است. عُسره؛ سختی و تنگ‌دلی از نداشتن مال اسـت (راغب اصفهانی، ٥٦٦). معنای فقهی حرج، شدیدتر از عسر است و نسبت میـان آن دو، عموم‌وخصـوص مطلق است؛ یعنی هر حرجی، عسر است؛ ولی هر عسری حرج نیست. مـلاک، عسـروحرجی اسـت کـه شدید و عادتاً تحمل‌ناپذیر باشد. یسر نیز واژهٔ مرتبطی است که معنای لغوی آن آسانی، تـوانگری و راحتـی (مقابل عسر) است و معنای فقهی آن ملاک، عسروحرج شخصی (عسروحرجی که شخص خـاص نتوانـد آن را تحمل کند) است، نه عسروحرج نوعی (عسروحرجی کـه نـوع مـردم نتواننـد آن را تحمـل کننـد) کـه تکلیف مالایطاق است.

جدول ۱. معنای لغوی و فقهی عسروحرج (یافته‌های تحقیق)

واژه	معنی لغوی	معنی فقهی	مثال / توضیح
حرج	انباشته‌شدن و گردآمدن چیزی؛ تنگی، سختی و فشار میان اجزای آن چیز	هرگاه تکلیفی مشقت و دشواری شدیدی داشته باشد که تحمل آن عادتاً برای	غسل کردن در سرمای شدید یا روزهٔ ماه رمضان در حق مریض یا پیر

	متراکم است تصور می‌شود، سپس هر سختی و گناه را نیز حَرَج گفته‌اند.	مکلف سخت است، آن تکلیف ساقط می‌شود. سقوط تکلیف شاقّ تحمّل‌ناپذیر به حسب عادت	درصورتی‌که از تحمل عادی آن‌ها فراتر باشد، واجب نیست.
عسر	عسر نیز به‌معنای سختی، معیشت و نقطهٔ مقابل آن یسر است	حرج شدیدتر از عسر است و نسبت میان آن دو، عموم‌وخصوص مطلق است؛ یعنی هر حرجی عسر است، ولی هر عسری حرج نیست. ملاک، عسروحرجی است که شدید و عادتاً تحمل‌نشدنی باشد.	دارای مشقت زیاد است، به‌گونه‌ای که ازنظر عرف تحمل‌شدنی نیست.
یسر	آسانی، گشایش، سهولت	ملاک، عسروحرج شخصی (عسروحرجی که شخص خاص نتواند آن را تحمل کند) است، نه عسروحرج نوعی (عسروحرجی که نوع مردم نتوانند آن را تحمل کنند).	گاهی کاری مقدور است و موجب به‌هم‌ریختن نظام هم نیست، ولی سبب ضرروزیان می‌شود؛ این‌گونه کارها مشمول قاعدهٔ لاضرر است.

بدون تردید یکی از کارآمدترین و مهمترین قواعد فقهی به لحاظ کابرد فراوان آن در ابواب مختلف فقه، قاعدهٔ نفی حرج است (علوی گنابادی و حبیبی مهر، ۷۵). منظور از فعل حرجی، عمل مشـقت‌زایی اسـت که اولاً از حد توان مکلف خارج نباشد؛ ثانیاً سبب اختلال نظام نشود؛ ثالثاً سبب واردشـدن ضـرر بـدنی و مالی نشود (مکارم شیرازی، ۱۶۰/۱). بر اساس قاعدهٔ نفی حرج، هر حکمی در شریعت که امتثال آن سبب سختی و مشقت فراوان برای مکلف شود، برداشته شده است (بجنوردی، ۲۵۰/۱؛ به‌نقل از علوی گنابادی و حبیبی مهر، ۷۵). حرج مفهومی گسترده دارد و سایر واژه‌های مشابه را در بر می‌گیرد. به همین دلیل، قواعد

فقهی ضرورت، اضطرار و ضرر نیز از زیرمجموعه‌های قاعدۀ نفی عسروحرج خواهند بود (شاهین‌فرد و دیگران، گسترۀ مفهومی قاعدۀ نفی عسروحرج، ٦۳).

بر اساس این قاعده، هیچ حکمی در میان احکام الهی وجود ندارد که انجام آن باعث دشواری و سختی مکلف شود، بدین معنا که احکام به‌عنوان قضایای حقیقی و در معنای کلی، سبب عسروحرج برای مکلف نمی‌شود، لکن ممکن است به‌صورت مصداقی برای افراد موجب حرج شود (همو، شمول‌پذیری قاعدۀ لاحرج، ۲۲۷). فقها در ابواب و موضوعات گوناگون فقهی همچون عبادات، معاملات، خانواده، امور کیفری و مسائل مرتبط با حقوق عمومی به قاعدۀ لاحرج استناد کرده‌اند. کاربرد وسیع استناد به این قاعده در کنار گزارش معناشناختی واژگان مشابه نظیر ضرر و ضرورت و اضطرار؛ تحلیل مفهومی کاربست‌های گستردۀ این قاعده و در پی آن، تبیین ارتباط مفهومی حرج با مفاهیم همسوی با آن را ضروری می‌سازد (همو، گسترۀ مفهومی قاعدۀ نفی عسروحرج، ٤۸). قاعدۀ لاحرج نه تنها در موارد حرج جسمانی کاربرد دارد، بلکه در حرج‌های غیرجسمانی مثل حرج روحی‌روانی، حرج اجتماعی، حرج اقتصادی و حرج حیثیتی و... نیز کاربرد دارد (همو، شمول‌پذیری قاعدۀ لاحرج، ۲۲٦).

۲. قاعدۀ نفی عسروحرج: مبانی قرآنی و احادیث

شریعت اسلامی بر حالت یسره «وَ لاَ یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)؛ برای شما دشواری نمی‌خواهد و نفی حرج «وَ مَا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ»(حج: ۷۸)؛ در دین بر شما سختی قرار نداده است، مبتنی است. بر این اساس، ارادۀ خداوند بر آن است که زندگی انسانی بنا بر اصل راحت و بی‌مشکل باشد. خداوند در آیۀ ۷۸ سورۀ حج، آیۀ ۱۸۵ سورۀ بقره و آیۀ ٦ سورۀ مائده بر آسانی در تکالیف و نفی دشواری، نفی سختی در زندگی برای انسان‌ها و تنگ‌نگرفتن بر انسان‌ها تأکید می‌کند.

جدول ۲. آیات مربوط به قاعدۀ نفی عسروحرج

مشخصات	متن عربی	ترجمۀ فارسی	کلید واژه
بقره: ۱۸۵	شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِیَ أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًی... یُرِیدُ اللّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَلاَ یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ... .	ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است... . **خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد** تا شماره	**آسانی** در تکالیف و نفی **دشواری** برای انسان‌ها از طرف خداوند

		[مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه شما را هدایت کرده است به بزرگی بستایید و باشد که شکرگزاری کنید.	
بقره: ۲۸٦	لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا	خداوند هیچ‌کس را جز به‌اندازهٔ توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.	**تکلیف به‌اندازهٔ توان انسان**
حج: ۷۸	وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ	و در راه خدا چنان‌که حق جهاد [در راه] اوست، جهاد کنید. اوست که شما را [برای خود] برگزیده و **در دین بر شما سختی قرار نداده است.** آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است]... .	نفی **سختی** در زندگی برای انسان‌ها از طرف خداوند
مائده: ٦	" مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	**خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد**، لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند. باشد که سپاس [او] بدارید.	**تنگ‌نگرفتن** خداوند بر انسان‌ها
طه: ۲٦	وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي	**و کارم را برایم آسان ساز**	**دعا بر** آسانی امورات
انشراح: ٥ و ٦	فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (٥) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (٦)	پس [بدان که] با دشواری آسانی است (۵) آری با دشواری آسانی است (۶)	**دشواری با آسانی**

واقعه: ۸۹	فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ	[در] **آسایش** و **راحت** و بهشت پرنعمت [خواهد بود]	**آسایش و راحتی** در بهشت

با مطالعهٔ کتاب نهج‌البلاغه که مجموعهٔ خطبه‌ها، سخنان و نامه‌های امام علی(ع) است، می‌توان اشاره‌ها و نکاتی مربوط به آسایش و راحتی را ملاحظه کرد. در حکمت ۳۱۸، آسایش و راحتی در قبال اکتفا، به مقدار نیاز بیان شده است که زمینه‌ساز گشایش و آرامش است. امام علی(ع) در خطبهٔ ۱۳۱ نیز اصلاح در شهرها را به‌عنوان مقصد و هدفی والا برای حکومت از طرف خداوند می‌فرمایند. در نامهٔ ۵۳، خطاب به مالک‌اشتر به آبادکردن شهر بیشتر از ستاندن خراج و آسوده‌کردن و اطمینان‌بخشی به مردم در راستای عدالت تأکید شده است. در این بیانات که گستره‌ای وسیع در ابعاد فردی، اجتماعی، مدیریتی و حکومتی را شامل می‌شود، تحقق آسایش و راحتی فردی و اجتماعی از یک طرف وظیفه‌ای برای تمامی انسان‌ها و از طرف دیگر وظیفهٔ حکومت است. در جدول ٤ که خلاصهٔ این موضوع را ارائه می‌کند، می‌توان برای طراحی شهری چنین استنتاج کرد: رعایت حقوق شهروندی در زندگی شهری توسط مردم (همچون استفاده از خودروی شخصی، مصرف انرژی، خرید و مصرف کالا و تولید زباله و...) و آبادانی شهری توسط مدیریت شهری (همچون ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و سبز شهری، پیاده‌مداری و تأمین رضایتمندی مردم) (تابنده، ۱۲).

جدول ۳. بررسی موضوع نفی حرج در نهج‌البلاغه

مشخصات	متن عربی	ترجمهٔ فارسی	کلیدواژه/ ارتباط با طراحی‌شهری
نهج البلاغه، حکمت ۳۱۸	«من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحه، و تبوا خفض الدعه»	هر که به مقدار نیاز اکتفا کند، آسایش و راحتی خود را فراهم آورد و گشایش و آرامش را به دست آورد.	فراهم‌آوردن رفاه وآسایش و تحقق گشایش و آرامش (آسایش و راحتی

			زمینه‌ساز آرامش و گشایش): رعایت حقوق شهروندی در زندگی شهری (همچون استفاده از خودروی شخصی، مصرف انرژی، خرید و مصرف کالا و تولید زباله و...)
خطبهٔ عیون الحکم و المواعظ	شَرُّ البِلادِ بَلَدٌ لا أمنَ فِیهِ.	بدترین شهر، شهری است که در آن امنیت نباشد.	امنیت یکی از پایه‌های شهر اسلامی
نهج البلاغه: خطبهٔ ۱۳۱	«... و نظهر الاصلاح فی بلادک»	مقصد ما آن است که اصلاح را در شهرهای تو (ای خدا) آشکار نماییم.	اصلاح در شهرها؛ عمران و آبادی سرزمین‌ها و تأمین شرافتمندانه و

			کرامت‌مدارانـهٔ مردمان به‌عنوان اهـــداف حکومـــت: اصــــلاح و هدایت شهرها و مردمان آن
نامهٔ ۵۳ عهدنامـــهٔ مالک‌اشتر	باید نگریستن به آبادانی زمین بیشتر از ستاندن خراج باشد که ستاندن خراج جز به آبادانی میسر نشود و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند... از آسوده‌ساختن خاطر آنان و به‌دست‌آوردن اطمینان که به عدالت تو خو گرفته‌اند و...		آبادســـازی شـــهرها و آســـوده‌کردن مـــردم و به‌دســـت‌آوردن اطمینان آن‌ها: آبادانی شهری توسط مدیریت شـــهری (همچـــون ارتقای کیفیت فضـــاهای عمـــومی و تـــأمین رضـــایتمندی مردم)

موضوع نفی عسروحرج در احادیث پیامبران و امامان شیعه نیز توصیه‌های مؤکدی داشته است. روایات متعددی از پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم دلالت بر نفی احکام حرجی از عهدهٔ مسلمانان دارد. امام جعفر صادق(ع) به نقل از رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: «... ان الله تعالی کان اذا بعث نبیا قال له

اجتهد فی دینک و لاحرج علیک و أنَّ الله تعالی اعطی امتی ذلک حیث یقول ما جعل علیکم فی الدین من حرج». حدیث دیگر حدیث رفع است که «ما لایطیقون» را از عهدهٔ امت برداشته است (کلینی، ٢٠٤). این امر همان طوری که در جدول شمارهٔ ٤ بیان شده است. پیامبر اسلام، دین اسلام را به‌عنوان آیین سهل و آسان معرفی می‌نماید. امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نیز در پاسخ به سؤالاتی مربوط به شرایط سخت و دشوار، احکام دینی را به‌سهولت و آسانی برای مسلمانان تبیین می‌کنند (تابنده، ١٤).

جدول ٤. بررسی موضوع نفی حرج در احادیث گزیدهٔ پیامبر و امامان (موسوی، ٣٤تا٥٠)

	متن عربی/فارسی	کلید واژه
پیامبر اسلام(ص)	«**بعثت علی الشریعة السمحة السهلة**» (من مبعوث به آئین سهل و آسانی شده‌ام)	**آئین سهل و آسانی**
امام باقر(ع)	صحیحة بزنطی: امام باقر(ع) فرمودند: همانا گروه خوارج از روی نادانی که داشتند بر خودشان تنگ گرفتند، دین وسیع‌تر از آن است و حدیث مشهور نبوی: «بُعِثتُ بالحنیفیَّهِ السَّمحَه السَّهلَهِ»؛ یعنی مبعوث شدم به دین حنیفِ سهل و آسان.	**تنگ‌نگرفتن در دین؛ دایرهٔ وسیع‌تر دین اسلام**
امام صادق(ع)	(روایت عبدالأعلی مولی آل سام). در این روایت راوی به امام صادق(ع) می‌گوید: کسی به زمین خورده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است، حال چگونه باید وضو بگیرد، امام(ع) می‌فرمایند: حکم این قضیه و نظایر آن، از کتاب خدا روشن می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده است: در دین برای شما حرجی قرار داده نشده است، پس بر آن مسح کن.	**نفی حرج در دین اسلام**
	ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق(ع) دربارهٔ شخص جنبی پرسیدم که دست در ظرف پوستی (شاید مشک) یا سنگی فرو می‌برد، فرمود: اگر دستش نجس بوده باید آب را بریزد و اگر نجس نبوده با آن غسل کند. چنین مسائلی از کلام خدا «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» فهمیده می‌شود.	

	روایت فضل‌بن‌یسار: از امام صادق(ع) دربارهٔ شخصی چنین سؤال شد که آب غسل او به درون ظرف آب، ترشح می‌کند، حضرت فرمود: مانعی نیست (خداوند در دین حرجی بر شما قرار نداده است).	
	روایت ابوبصیر از امام صادق(ع) که حضرت در جواب پرسشی دربارهٔ چگونگی استفاده از برکه‌ای که آب زیادی در آن جمع شده است و پلیدی‌هایی در آن ریخته شده است، فرمود: "... اخرج الماء بیدک ثم توضأ، فان الدین لیس بمضیق، فان الله یقول: ما جعل علیکم فی الدین من حرج؛ سطح آب را با دست باز کن، آب را بیرون بیاور و وضو بگیر، زیرا اسلام سخت نمی‌گیرد و خداوند می‌فرماید: در دین، حرجی بر شما قرار داده نشده است.	

۳. دیدگاه مراجع تقلید دربارهٔ اصل نفی حرج

موضوع نفی عسروحرج در احادیث پیامبران و امامان شیعه نیز توصیه‌های مؤکدی داشته است. این امر همان طوری که در جدول شمارهٔ ٦ بیان شده است. پیامبر اسلام، دین اسلام را به‌عنوان آیین سهل و آسانی معرفی می‌نماید. امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نیز در پاسخ به سؤالاتی مربوط به شرایط سخت و دشوار احکامی دینی را به سهولت و آسانی برای مسلمانان تبیین می‌نمایند: (موسوی، ۳٤تا۵۰) و (مکارم‌شیرازی).

جدول ۵. بررسی موضوع نفی حرج از دیدگاه مراجع و علمای اسلامی (همو، همان؛ مکارم‌شیرازی)

صاحب‌نظر	نظریه/اندیشه	کلید واژه
حر عاملی	قاعدهٔ نفی عسروحرج قاعده‌ای عقلی است و بنای عقلا نیز مؤید آن است؛ چراکه تکلیف به هر چیزی که سبب مشقت باشد عقلاً محال است، زیرا انگیزهٔ تکالیف، اطاعت و انقیاد است.	تکلیف به هر چیزِ مشقت‌آور عقلاً محال است.

شیخ مرتضی انصاری	منظور، عدم تشریع حکم ضرری و حرجی است؛ یعنی در اسلام، قانونگذار احکامی را که سبب شود افراد به سختی و تنگنا دچار شوند، وضع نکرده است (فوائد الأصول (رسائل)، ۱/۱۹٦).	نفی **سختی و تنگنا** در احکام اسلامی
میرزای نائینی	چنین عبادتی باطل است، بنابراین همچنان که اتیان حکم ضرری، حرام است؛ اتیان حکم حرجی نیز منفی و حرام است.	اتیان حکم حرجی نیز منفی و حرام است.
آخوند خراسانی	یعنی اینکه با دلیل نفی حرج، ادعای نفی حقیقیِ موضوع حرجی شده است و درنتیجه، حکمِ مترتب بر آن نیز نفی می‌شود. درحقیقت موضوع، به‌طریق ادعایی نفی شده و به‌طور غیرمستقیم، نفی حکم که اثر و نتیجهٔ آن است، اراده می‌شود.	نفی حکم که اثر و نتیجهٔ آن نفی موضوع
بجنوردی	حق در مقام این است که مفاد قاعدهٔ لاحرج همانند قاعدهٔ لاضرر، نفی نفس حکم حرجی است؛ چه حکم تکلیفی باشد و چه حکم وضعی... پس در احکام و قوانین اسلام، حکم حرجی نیست. اگر عباداتی نظیر غسل یا وضو در سرمای شدید که مستلزم عسروحرج است، مورد امتنان مکلف قرار گیرد، آیا این عبادات صحیح هستند؟ چنین عبادتی صحیح است؛ زیرا اولاً قاعدهٔ حرج همچنان که بیان شد، در مقام امتنان بر مکلفان است و شارع مقدس، از باب لطف، تکلیف حرجی را منفی و مرفوع اعلام کرده است.	در احکام و قوانین اسلام، حکم حرجی نیست. نفی سختی و تنگنا در احکام اسلامی
امام خمینی	منظور از مفاد لاضرر و نفی حرج، نهی سلطانی یا حکومتی و به‌منظور ادارهٔ جامعه است و مراد از آن نهی شرعی نیست.	نهی سلطانی یا حکومتی به‌منظور ادارهٔ جامعه

در خصوص توسعهٔ مصداقی عسروحرج در حوزهٔ شهر و شهرسازی و حرج‌های شهری از چند نفـر از فقهای شیعه استفتا شده است که پاسخ ارائه‌شده در این زمینه و تأیید فرض مسئله، شایان توجه است. البتـه برخی از فقها، استفتاء ارسالی را پاسخ نداده‌اند. سؤال ارسـالی[۱] عبـارت اسـت از: بـا آرزوی سـلامتی، در خصوص قاعدهٔ عسروحرج و انواع حرج (مانند حرج‌های جسـمانی، غیرجسـمانی، اجتمـاعی، روحـی و روانی، مالی) در حوزهٔ شهر و شهرسازی و مسائل شهری (مانند مسائل مختلف قابل توسعه می‌باشـد؟ امـا در این زمینه پاسخ ارسالی از حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی حائز اهمیت است: «مطلبِ صـحیح همـان است که نوشته‌اید و لازم است در امر شهر و ساختمان‌سازی، تمام اصول و قواعدی که در جهت رفاه حـال شهروندان است در چهارچوب موازین شرعی رعایت شود». بنابراین می‌توان با فرض سؤال و مسئلهٔ تحقیق که تعمیم قاعدهٔ لاحرج به حرج‌های شـهری اسـت، بـه توسـعهٔ مصـداقی آن در حـوزهٔ شـهر و شهرسـازی پرداخت. آیه‌الله صافی گلپایگانی نیز ضمن تایید توسعه مصداقی قاعده لاحرج در شهرسازی اسـلامی، در پاسخ به استفتاء مذکور فرموده‌اند: «روشن است که ملاحظه قاعده مذکور در طراحی و مـدیریت شـهر در مملکت اسلامی امری راجح است». همچنین آیه‌الله علوی گرگانی با تایید این امر فرموده‌اند: «در موضوع شهرسازی و روابط اجتماعی هر گونه برنامه و یا روابطی که موجب ایجاد عسر و حرج و یا مزاحمت بـرای عموم مردم شود می‌تواند مصداقی از قاعده عسر و حرج باشـد و بایـد قـوانین منطقـی شهرسـازی رعایـت شود»[۲].

۴. گونه‌شناسی حرج و انواع آن

دسته‌ای از قوانین در قلمروِ اختیار انسان قرار دارد و انسان مخیر است از حقوقی که این قوانین بـرای او ایجاد می‌کند، بهره ببرد یا به اختیار خود از آن منصرف شود. این قوانین با این هدف وضع نشـده اسـت کـه الزاماتی بر انسان تحمیل کند که در هر حال مکلف به رعایت آن باشد، بلکه بیشـتر بـرای ایجـاد توسـعه و

۱. توضیح بیشتر در خصوص استفتاء ارسالی برای فقها: شهر اسلامی محل تجلی و کاربست قواعد فقهی و ازجمله قاعدهٔ لاحرج می‌باشـد، به‌طوری‌کـه مطـابق قاعدهٔ لاحرج، در شهر اسلامی باید زمینهٔ عمل به احکام الهی فراهم شود و برنامه‌ها و طرح‌ها و اقدامات باید آسایش و آرامش مسلمانان را فراهم کنـد. بنـابراین شهر اسلامی حامل قاعدهٔ لاحرج بوده و حرج‌های شهری باید در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری پیش‌بینی و در نظر گرفته شوند. این اصل می‌تواند در تسهیل رفت‌وآمد به‌ویژه برای اقشار کم‌توان، کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری، دسترسی و توقف و... در نظر گرفته شـود. همچنـین کارایی و راحتی مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالخوردگان و... لحاظ شود. به‌عبارتی دیگـر، می‌تـوان گفـت کـه شـهر اسلامی علاوه بر برخورداری از روح و معنا و اخلاق انسانی، محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی نیز بوده و برای مسلمانان، حَرَج و مشقتی در ابعاد مختلـف ایجاد نشود. از منظر قاعدهٔ فقهی لاحرج، مشقت‌ها و حرج‌های شهری بهتر است در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت در نظر گرفته شود.

۲- پاسخ استفتاء از آیه الله صافی گلپایگانی (ره) در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۰ و همچنین پاسخ استفتاء از آیه الله صافی علـوی گرگـانی (ره) در تـاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۰ صادر شده است که از خداوند متعال برایشان رحمت و مغفرت آرزومندیم.

تسهیل در کار فرد و جامعه وضع می‌شود. در اصطلاح به این گروه از قوانین، احکام ترخیصی یا به‌طور خلاصه رخصت گفته می‌شود.

نوع دیگری از قوانین نیز وجود دارد که ارادهٔ قانونگذار باتوجه‌به مصالحی از جمله نظم عمومی، به آن تعلق گرفته است که حریم آن‌ها باید در همه‌حال رعایت شود و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان از زیر بار آن‌ها شانه خالی کرد. این دسته از قوانین، قوانین امری هستند. به‌عبارت‌دیگر، آن قوانینی الزامی و امری نامیده می‌شوند که مراعات آن‌ها بر فرد لازم است و نمی‌توان برخلاف آن توافق کرد و در اصطلاح به آن‌ها عزیمت گفته می‌شود. در غیر عبادات، قاعدهٔ نفی عسروحرج از نوع رخصت است؛ زیرا مفاد این قاعده در واقع نوعی ترخیص برای شخص واجد این عنوان است تا در صورت تمایل بتواند به‌استناد این رخصت شرعی و قانونی از حق خود استفاده کرده، ضیق و حرجی را که با آن مواجه است، از دوش خود بردارد و در غیر این صورت، با انصراف از اعمال این حق، ضیق و حرج را تحمل کند. به‌عبارت‌دیگر این قاعده، لزوم تحمل حرج را از سوی شخص مرتفع می‌کند؛ اما به این معنا نیست که او با قصد تحمل حرج نتواند از اِعمال آن خودداری کند.

جوامع بشری به موازات افزایش جمعیت، پیچیدگی قوانین، رشد علم و دانش‌های مختلف اجتماعی و ارتباطی، دارای ارتباطات وسیع‌تر و پیچیده‌تری نیز می‌شوند. ارتباطات یادشده در جوامع اسلامی به‌دلیل پایبندی به دین، از ویژگی خاصی برخوردار است؛ بدین معنا که فقه، احکام و قواعد فقهی نیز وارد این ارتباطات می‌شود که جوامع دینی را با چنین خصوصیتی از سایر جوامع و ملت‌ها متمایز می‌کند (احمدزاده و دیگران، ۱۱۷تا۱۵۰).

قاعدهٔ لاحرج، ازجمله قواعدی است که ائمهٔ معصوم(ع) در موارد متعدد نه‌تنها به آن استدلال کرده‌اند، بلکه اصحابشان را هم در استدلال به این قاعده ترغیب کرده و فرموده‌اند که «یعرف هذا و اشباهه من قول الله عزوجل ماجعل علیکم فی الدین من حرج». (شاهین‌فرد و دیگران، شمول‌پذیری قاعدهٔ لاحرج، ۲۲۸). در ادامه به انواع حرج اشاره می‌شود.

حرج جسمانی: حرج جسمانی، یعنی مطلق ضیق و سختی و مشقت. همچنین باتوجه‌به اطلاق و عمومیتی که ادلهٔ نفی حرج دارند، استفاده می‌شود که حرج می‌تواند جسمانی باشد، همان طور که می‌تواند غیرجسمانی باشد. حرج‌های جسمانی عبارتند از اموری که سختی‌ها و مشقت‌هایی را برای جسم انسان به همراه دارد. این نوع حرج در فقه بسیار کاربرد دارد، خصوصاً در بخش عبادات که هر مکلفی در ابواب مختلفی از این بخش از قبیل طهارت، نماز، روزه، حج، جهاد با آن‌ها مواجه است (همو، همان،

٢٤٥تا٢٤٦). حرج و مشقت منحصر به حرج جسمانی نیست و شامل حرج‌های غیرجسمانی اعم از روحی، روانی، مالی و... می‌باشد (مکارم شیرازی، ١٠١٦ق؛ نراقی، ١٤١٧ق).

حرج غیرجسمانی: حق، تکلیف و مسئولیت سه عنوان برجسته‌ای است که انسان در ارتباط با خود، دین و جامعه از پذیرفتن آن ناگزیر است. اما خداوند از روی لطف و تفضل، احکام حرجی، سخت و مشقت‌بار را از امت اسلام برداشته است؛ یعنی از آیات و روایات استفاده می‌شود که تکلیف و اجبار به اعمالی که عسروحرج و مشقت دارد، از سوی خداوند حکیم در سطح فرد و جامعه منتفی است و به این مسئله اصطلاحاً قاعدهٔ نفی عسروحرج اطلاق می‌شود (احمدزاده و دیگران، ١١٨).

حرج غیرجسمانی آن دسته از سختی‌ها و مشقت‌هایی است که مربوط به جسم و بدن شخص نباشد که خود بر چند دسته است: حرج مالی، حرج روانی، حرج حیثیتی، حرج اجتماعی (شاهین‌فرد و دیگران، شمول‌پذیری قاعدهٔ لاحرج، ٢٤٧). باتوجه‌به ماهیت تنوع‌پذیری قاعدهٔ حرج و شمولیت آن در خصوص حرج‌های غیرجسمانی و اینکه فقها در موارد مختلفی از حرج‌های غیرجسمانی به قاعدهٔ حرج استناد کرده‌اند و برای برون‌رفت از مشقت‌های جوانحی از این قاعده مدد گرفته‌اند و از آنجایی که آسیب‌های حرج‌های غیرجسمانی در جامعهٔ کنونی کمتر از آسیب‌های جسمانی نیست و چه‌بسا به‌مراتب تحمل‌ناپذیرتر باشد و فرد را دچار پیامدهای سوء جبران‌ناپذیری کند؛ با استناد به این قاعده در تمام انواع حرج‌ها می‌توان درصدد به‌دست‌آوردن حکم شرعی برآمد و از احکام تکلیفی وجوبی یا تحریمی اولی به‌واسطهٔ وجود انواع حرج دست کشید و حکمی متناسب با شرایط عسروحرج را استنباط کرد (همان، ٢٢٥).

حرج‌های اجتماعی: بدیهی است در مواردی که اقدامات و تصرفات مالکانهٔ شخصی در ملک خود سبب ایجاد حرج مالکان مجاور باشد، تا هنگامی‌که مالک آسیب‌دیده از این اقدام، مبادرت به اعتراض و طرح موضوع در محکمه نکرده است، نمی‌توان فقط به استناد حرجی‌بودن تصرف مالکانهٔ شخص مذکور، به‌الغای آثار تصرف او و رفع امور حرجی حکم کرد.

باتوجه‌به اطلاق و شمولی که از ادلهٔ حرج به دست می‌آید، حرج می‌تواند جسمانی و غیرجسمانی باشد و در بین حرج‌های غیرجسمانی، حرج اجتماعی یکی از حرج‌هایی است که در برخی موارد دامن مکلف را می‌گیرد که برای رهایی از سختی و مشقت آن باید به قاعدهٔ لاحرج تمسک جست. حرج اجتماعی آن دسته از سختی‌ها و مشقت‌هایی است که انسان را ازنظر اجتماعی در مضیقه قرار دهد و برای او ایجاد عسروحرج می‌کند (همان، ٢٥٢).

حرج روحی‌روانی: باتوجه‌به عمومیت و شمول و اطلاقی که از ادلهٔ نفی عسروحرج از آیات و روایات استفاده می‌شود، می‌توان به اقسام حرج غیرجسمانی، حرج روحی‌روانی را نیز ملحق کرد؛ زیرا چه‌بسا برخی از مکلفان در مواردی از تکالیف شرعی به‌لحاظ روحی و روانی در مشقت و سختی و تنگنا قرار می‌گیرند که جز قاعدهٔ لاحرج چیز دیگری نمی‌تواند برطرف‌کنندهٔ این مشقت و سختی باشد. منظور از حرج روحی‌روانی آن دسته از اموری است که سبب می‌شود انسان به‌لحاظ روحی‌روانی در مشقت و فشار و سختی قرار بگیرد که قاعدهٔ لاحرج می‌تواند باعث رفع این سختی‌ها و فشارهای روحی روانی شود؛ مانند جواز اخذ به شفعه به‌دلیل رفع عسروحرج از شفیع (همان، ۹تا۲٤۸). برخی از امور، اعم از فعل یا ترک فعل سبب به‌وجودآمدن حرج روحی و روانی می‌شود و انسان در این‌گونه موارد در مضیقه و سختی قرار می‌گیرد که در همهٔ این موارد، حرج ناشی از تحمل شرایط نامطلوب است و به‌کمک قاعدهٔ نفی حرج این‌گونه سختی‌ها نیز مرتفع می‌شود (همان، ۲٥۱).

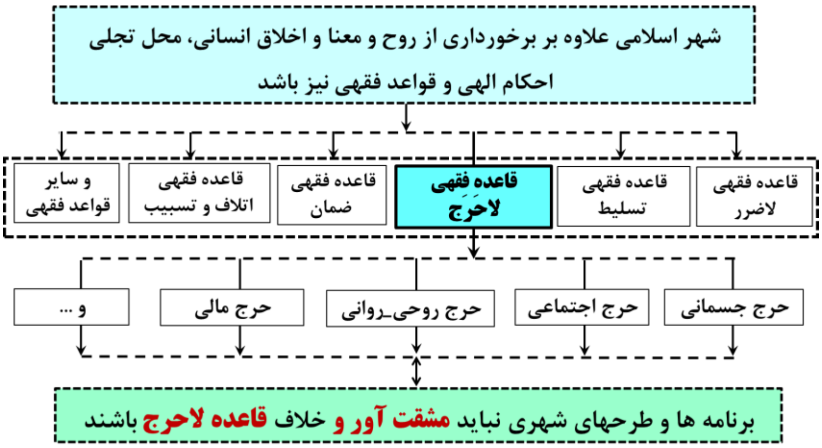
حرج‌های مالی: حرج در برخی موارد، حرج مالی است؛ بدین معنا که انجام برخی از تکالیف، سبب می‌شود مکلف در مضیقه و سختی مالی قرار بگیرد و ازنظر مالی به عسروحرج بیفتد که در این صورت با استفاده از عموم قاعدهٔ حرج آن سختی و مشقت مالی برداشته می‌شود. منظور از حرج مالی اموری است که سبب می‌شود مکلف با انجام‌دادن آن‌ها در مضیقه و مشقت مالی قرار بگیرد یا به‌تعبیری ضرر مالی به او برسد و از این نظر دچار عسروحرج شود. در فقه نمونه‌هایی از حرج مالی وجود دارد که به‌کمک قاعدهٔ لاحرج، این مشقت‌ها و سختی‌های مادی و مالی از مکلف برداشته می‌شود (همان، ۲٤۷).

یکی از مصادیق این حرج، روابط استیجاری است. در مواردی که دادگاه تخلیهٔ ملک اجاره‌شده را به‌لحاظ کمبود مسکن سبب عسروحرج مستأجر بداند و معارض با عسروحرج موجر نباشد، می‌تواند مهلتی برای مستأجر قرار بدهد. قانونگذار در این مورد، مسئلهٔ عسروحرج مستأجر را به تصمیمات اجرانشدهٔ قبلی دادگاه‌ها که پیش از تصویب این ماده اتخاذ شده نیز تسری داده است و در تبصرهٔ مادهٔ مذکور، شورای عالی قضایی را مکلف کرده است که در اولین فرصت، دادگاه‌های ویژه‌ای تشکیل دهد، تمامی احکام تخلیه را که از طرف دادگاه‌ها یا ادارهٔ ثبت صادر شده و هنوز اجرا نشده است را تجدیدنظر کند و چنانچه تخلیهٔ منزل مستلزم عسروحرج برای مستأجر باشد، آن حکم را متوقف سازد. به‌دنبال این حکم در سال ۱۳٦٤، قانونگذار اجرای مفاد قاعدهٔ عسروحرج را به اماکن استیجاری آموزشی نیز تعمیم داد و به‌موجب مادهٔ واحدهٔ قانون الحاق یک تبصره به‌عنوان تبصرهٔ یک به مادهٔ ۹ قانون روابط موجر و مستأجر در ۲۸/ ٦/ ۱۳٦٤ مقرر داشت: «در مواردی که دادگاه، صدور حکم تخلیهٔ اماکن آموزشی را به‌علت کمبود

جای مناسب موجب عسروحرج تشخیص دهد، دادگاه مکلف است تا رفع عسروحرج، به‌مدت پنج سال از صدور حکم خودداری کند و این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا است» (محقق داماد، ۱۰۳تا۱۰٤).

۵. حرج‌های شهری از منظر فقهی

معماری و شهرسازی نیز که نوعی برنامه‌ریزی برای فضای کالبدی مردم است از این اصل مستثنی نیست؛ برای مثال، توجه به مسئلهٔ امنیت و احساس آرامش و راحتی در طراحی محلات باید به‌خوبی لحاظ شود. همچنین در جامعهٔ اسلامی، انجام‌دادن تکالیف مذهبی نباید سخت باشد و باید مدل شهرسازی و شکل معماری به انجام‌دادن تکالیف شرعی کمک کند. این اصل می‌تواند در کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری و نشیمن و... در نظر گرفته شود. همچنین کارایی و راحتی مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالخوردگان و... لحاظ شود. بدین ترتیب می‌توان گفت: شهر اسلامی علاوه بر برخورداری از روح و معنا و اخلاق انسانی، محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی نیز است و برای مسلمانان حرج و مشقتی در ابعاد مختلف ایجاد نشود. از منظر قاعدهٔ فقهی لاحرج، مشقت‌ها و حرج‌های شهری بهتر است در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت در نظر گرفته شود.



شکل ۲. دیاگرام ارتباط معنایی قاعدهٔ لاحرج با شهرسازی اسلامی (نگارنده)

شهر به‌عنوان بستر زندگی فردی و جمعی شهروندان، نیازمند آسایش و آرامش در ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حرکت و دسترسی، روحی و روانی و زیست‌محیطی است. مسائل شهری تأثیر بالایی در رضایتمندی، رفاه و کیفیت زندگی انسان‌ها دارند. شهرهای معاصر ایران مملو از مسائلی در

ابعاد مختلف هستند که آسایش و آرامش را به‌شدت تضعیف کرده است؛ مسائلی از قبیل آلودگی هوا و صدا، اختلالات ترافیکی، اغتشاش و آشفتگی سیما و منظر شهری، شلوغی و ازدحام بیش از حد در مراکز شهری، آسیب‌های اجتماعی، وجود فضاهای بی‌دفاع و ناامن، بی‌عدالتی در توزیع امکانات و خدمات شهری، نامناسب‌بودن فضاهای شهری برای گروه‌های کم‌توان و معلولان که انسان به‌طور روزمره با آن‌ها درگیر است و مانع پیشروی آسایش و آرامش جسمی و روحی اوست.

شهرنشینی در دوران اخیر به‌سرعت در حال افزایش است. انقلاب صنعتی و روابط صنعتی منجر به رشد و توسعهٔ شهری توأم با مسائل متعددی شده است. این مسائل و مشکلات، با ساختار و کارکرد نابسامان شهری ملازمه دارد. هرچند شهر همیشه دارای کارکرد مثبت نیست، شهرهایی که رشد نامتوازن و ساختار ناسالم دارند، کژکارکردهایی را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، کالبدی و سیاسی تجربه می‌کنند، در چنین شرایطی شهر حالت بیمارگونه به خود می‌گیرد (محسنی، ۲۵). چنانچه برخی از مسائل شهری در حال حاضر از مشکل به معضل و از معضل به بحران تبدیل شده‌اند. معضلات اجتماعی، ترافیکی، زیست‌محیطی و کالبدی شهرها رفته‌رفته حیات شهری را با اختلال مواجه کرده و مسائل دیگری را در ابعاد سلامت جسمی و روحی شهروندان، آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری بیش‌ازپیش شهر را رقم زده است.

مسائل شهری را می‌توان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی، کارکردی و مدیریتی دسته‌بندی کرد. مسائل اجتماعی شامل آسیب‌هایی از قبیل اعتیاد، سرقت، ناامنی و نبودن اعتماد و ازبین‌رفتن سرمایهٔ اجتماعی و... است. مسائل فرهنگی شامل الگوبرداری از فرهنگ بیگانه، مصرف‌گرایی، تضعیف فرهنگ بومی و کم‌توجهی به سنت‌ها و آیین‌های بومی در سبک زندگی شهروندان است. مسائل زیست‌محیطی شامل آلودگی‌های آب‌وهوا و صدا و مصرف بیش از حد انرژی است. مسائل کالبدی شامل آشفتگی ساختمان‌ها ازنظر تراکم، ارتفاع، حریم، سطح اشغال، فضاهای عمومی، مبلمان شهری است. مسائل کارکردی شامل توزیع ناعادلانهٔ خدمات شهری، کم‌توجهی به زیرساخت‌های شهری، عدم محله‌محوری در برنامه‌ریزی کاربری زمین است. مسائل مدیریتی شامل کم‌توجهی به تخصص‌های دخیل در مدیریت شهری، ناآشنایی به احکام اسلامی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. در شهرهای اسلامی ایرانی، استفاده از احکام اسلامی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهرها امری ضروری و بدیهی است. همان طوری که احکام دین اسلام شامل قواعد فقهی جامع و متعددی است که می‌تواند در تعالی شهر و شهروندان راهگشا باشد، یکی از این قواعد فقهی قاعدهٔ نفی عسروحرج در امورات مربوط به انسان است که می‌تواند در تبیین اصول و راهکارهای حل مسائل شهری مؤثر باشد.

یکی دیگر از موارد تأکیدشده در معماری و شهرسازی اسلامی، اصل مسئولیت افراد راجع به حقوق خداوند و مخلوقات (قاعدۀ لاضرر) است. تمام افراد نسبت به یکدیگر در قبال خسارت‌های احتمالی مسئولیت دارند و ساخت‌وسازها نباید به دیگران خسارتی وارد کند. مطابق با اصل مسلّم عقلایی تأییدشدۀ شرع مقدس، هرگونه مباشرت در اتلاف و نیز تثبیت در آن موجب ضمان است، حتی اگر این اتلاف غیرآگاهانه و غیرعمدی باشد. مدیریت ساخت‌وسازها اعم از مراحل طراحی، اجرا و بهره‌برداری یا نظارت بر این مراحل نباید حقوق عمومی آحاد شهروندان را تضییع کند. مسؤلیت انسان در شهر، به‌ویژه در فضاهای شهری می‌تواند در سه بُعد تبیین شود: ۱. مسؤلیت انسان راجع به خداوند: انجام فرائض دینی و انسانی شامل عبادات، اخلاق دینی و انسانی و...؛ ۲. مسؤلیت انسان راجع به سایر انسان‌ها: رعایت حقوق شهروندی، مسؤلیت‌پذیری انسان‌ها در امور اجتماعی و...؛ ۳. مسؤلیت انسان در خصوص سایر مخلوقات (حیوانات، گیاهان، عناصر طبیعی و...): متعهدبودن راجع به محیط زیست، منابع طبیعی و...

توجه به این امر در برنامه‌ریزی/طراحی/مدیریت شهری می‌تواند موجبات آسایش و راحتی شهروندان را فراهم کند.

کتاب درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی نیز مهمترین اصول در معماری و شهرسازی دوران اسلامی را در چهار اصل این‌چنین توصیف می‌کند: ۱. اصل عدالت‌محوری؛ ۲. اصل سیر از کثرت به وحدت: اصل محوربندی فضایی، اصل مرکزگرایی، اصل سلسلۀ مراتب فضایی، اصل استقلال فضاها در عین وحدت آن‌ها، اصل سامان‌بندی حرکت در درون فضا (سیالیت)، اصل تقدم درون‌گرایی بر برون‌گرایی، اصل سیر از هندسۀ آفاقی در شهر به هندسۀ انفسی در معماری؛ ۳. اصل سیر از ظاهر به باطن: اصل انتزاع‌گرایی، اصل نشانه‌گرایی، اصل برتری فضا بر تودۀ ساختمان، اصل سامان‌بندی چشم‌انداز، اصل تعامل مکمل میان معماری و طبیعت؛ ٤. اصل رده‌بندی اهداف کمی و کیفی: اهداف ساختاری (رعایت دستاوردهای فنی و مهندسی)، اهداف کارکردی (چندگانگی در کارکرد)، اهداف زیبایی‌شناسانه (بهره‌گیری از تزئینات)، اهداف هویت‌ساز، اصل لزوم تهذیب نفس معماران و شهرسازان (نقره‌کار، صص ٦۰۰تا٦۱۸).

می‌توان چنین استنباط کرد که درنظرگرفتن ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیز می‌تواند در ارزیابی و ارتقای کیفیت آسایش و راحتی مؤثر باشد؛ برای مثال رعایت حریم‌ها در طراحی شهری در جامعۀ اسلامی، آسایش و راحتی ساکنان و کاربران را درون فضاهای خصوصی و نیمه‌عمومی یا نیمه‌خصوصی به‌دنبال داشته باشد یا تأکید بر اصل رعایت حقوق خداوند و مخلوقات (قاعدۀ لاضرر) در امر شهرسازی می‌تواند به نهادینه‌شدن این اصول و کیفیت‌ها کمک وافری کند.

نمونۀ موردی؛ شهر تبریز: آسایش و راحتی معطوف به طراحی شهری می‌تواند در ابعاد حمل‌ونقل،

زیست‌محیطی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، خدمات و زیرساخت‌ها و... مطالعه شود. این ابعاد خود شامل مصداق‌ها، کیفیت‌ها و موارد متعددی است (شکل ۲). در زیر به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود:

۱. سختی و دشواری در رفت‌وآمد به‌دلیل فاصلهٔ زیاد، عدم پیاده‌مداری، یک‌طرفه‌بودن مسیرها، کمبود حمل‌ونقل عمومی، نامناسب‌بودن فضاها برای معلولان، سالخوردگان و... .

۲. تأمین‌نشدن نیازهای حداقلی در شعاع زندگی همسایگی و محلی (مانند تفریحی، ورزشی).

۳. سروصدای بیش‌ازحد و مزاحم؛ ازدحام اتومبیل‌ها، استفادهٔ بیش از وسایل نقلیه، ترافیک سنگین.

٤. مدیریت‌نشدن آب‌های سطحی و ایجاد سیلاب‌های شهری؛ اختلال در تردد، سرازیرشدن آب‌های سطحی به فضاهای خصوصی و... .

٥. آلودگی آب‌وهوایی؛ ناراحتی جسمی (تنفسی، قلبی، کلیوی و...) به‌ویژه برای افراد آسیب‌پذیر.

٦. رعایت‌نکردن حریم و اشرافیت در ساخت‌وسازها؛ احساس ناراحتی و ناامنی در فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی به‌دلیل اشرافیت فضاها و بناها به یکدیگر.

۷. بوی نامطبوع به‌دلیل مدیریت ضعیف پسماندها، آلاینده‌های صنعتی به‌دلیل انباشتگی بیش‌ازحد کارخانجات صنعتی.

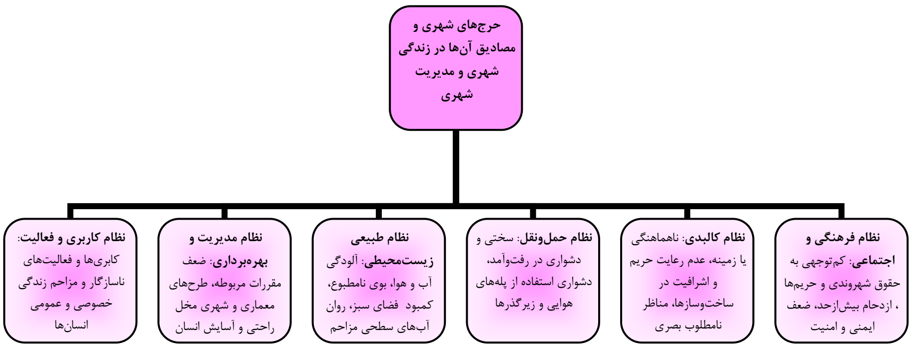
۸. ایجاد جزایر گرمایی و کمبود فضای سبز در شعاع زندگی همسایگی و محلی

۹. طرح‌های معماری و شهری که راحتی وآسایش را حمایت نمی‌کنند (مبلمان شهری، علائم و تابلوها، ورودی محله و مجتمع‌ها، ساخت‌وساز در تضاد با توپوگرافی و...).

۱۰. ناهماهنگی با زمینه‌های اقلیمی؛آسایش اقلیمی یعنی سایه و آفتاب، باد و بارش.

۱۱. تغییر تدریجی اقلیم و افزایش روزهای گرم و دمای هوا و برهم‌خوردن تعادل اقلیمی شهر و شهروندان و افت کیفیت زندگی.

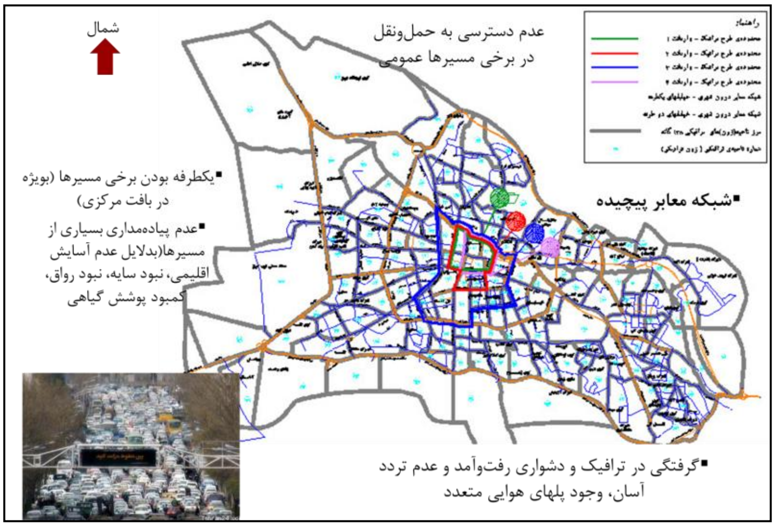
۱۲. اختلالات بیش‌ازحد ترافیکی و ازدحام بیش از حد ماشین و سروصدای مزاحم خودروها.



شکل ۳. حرج‌های شهری و مصادیق آن‌ها در زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

حرج و مشقت در دسترسی و حمل‌ونقل: آسایش و دشواری در دسترسی و حمل‌ونقل، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. این امر در دسترسی سواره و پیاده از مقیاس کلان تا خرد را شامل می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت آن در شهر تبریز می‌توان به این موارد اشاره کرد: شبکهٔ حمل‌ونقل عمومی پذیرفتنی و درحال‌توسعه (اتوبوس‌های تندرو و مترو درحال ساخت)، پایین‌بودن میزان تصادفات رانندگی در داخل شهر و امنیت بالای ترافیکی، وجود معابر و شبکهٔ مسیرهای پیاده‌مدار (مانند پیاده‌راه تربیت، بازار تاریخی، پیاده‌راه ولیعصر)، برخورداری از شبکه‌های مسیرهای مناسب شرقی غربی در شهر (مسیر چای‌کنار، بلوار آزادی، ۲۹ بهمن، کمربندی شهید کسایی و...)، برخورداری محلات جدید در شهر از شبکهٔ معابر مناسب و کارا (کوی منظریه، پرواز، خیام، رشدیه و...)، برخورداری از زیرساخت‌های حمل‌ونقلی بین‌شهری مناسب و کارا (اتوبان، جاده، راه ریلی و هوایی)، کاهش مشکل ترافیک با زیرگذرها و پل‌های روگذر در نقاط پرترافیک، عابرگذرهای زیرزمینی در بافت مرکزی شهر و... .

از نمونه‌ها و مصادیق منفی (نبود آسایش و راحتی در حمل‌ونقل) در شهر تبریز می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم پیاده‌مداری بسیاری از مسیرها (به‌دلایل نبود آسایش اقلیمی، نبود سایه، نبود رواق، کمبود پوشش گیاهی، نامناسب‌بودن موقعیت استقرار و متمرکزنبودن گاراژهای مسافری و باری دروازهٔ تهران، ضعف تسهیلات و امکانات حمل‌ونقلی و به‌کارنگرفتن مناسب و به‌هنگام سیستم‌های هوشمند کنترل ترافیک در شهر، تزاحم میان نقش عبوری و نقش شهری و اجتماعی در برخی از معابر همچون امام، آزادی و کارگر، فقدان شبکه‌های مناسب و کارای شمالی جنوبی در شهر، دشواری در پیداکردن مسیرها و نشانی‌ها (به‌ویژه در بافت مرکزی و تاریخی) به‌ویژه برای مسافران و گردشگران و غیربومیان، عبوری‌شدن بسیاری از معابر فرعیِ محلات در بافت تاریخی و مرکزی شهر، توسعهٔ عمودی شهر بدون تأمین شبکه‌های مورد نیاز آن به‌ویژه در داخل محلات، کمبود پارکینگ و گسترش تدریجی معضل مذکور باتوجه‌به افزایش مداوم شکاف نسبت خودرو به پارکینگ، یک‌طرفه‌بودن برخی مسیرها (به‌ویژه در بافت مرکزی) و دسترسی‌نداشتن به حمل‌ونقل عمومی، گرفتگی در ترافیک و دشواری رفت‌وآمد و نبود تردد آسان، وجود پل‌های هوایی متعدد و...



شکل ٤. نمونه‌هایی از موارد نبود آسایش و راحتی در زندگی شهری در بُعد حمل‌ونقل و دسترسی (یافته‌های تحقیق)

حرج و مشقت در مسائل زیست‌محیطی: آسایش و دشواری در بُعد طبیعی و زیست‌محیطی، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. این امر در دسترسی سواره و پیاده از مقیاس کلان تا خرد شامل را می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت در شهر تبریز عبارت‌اند از: وجود پارک‌های جدیدالاحداث (باغلارباغی، پارک مشروطه، پارک طالقانی، بوستان‌های ناحیه‌ای، فضای سبز دانشگاه تبریز-وجود باغ‌های ارزشمند تاریخی (باغ ائل‌گلی، باغ‌شمال، باغ فتح‌آباد، خلعت‌پوشان و...)- وجود الگوهای اقلیمی‌بومیِ مسکونی و تجاری در معماری و طراحی شهری گذشتهٔ تبریز (خانه‌های قاجاری با حیاط باغی)، شهر تبریز در گذشته باغشهر، ترکیبی از باغ‌ها و محله‌ها بوده است (باغ‌ها جداکنندهٔ محله‌ها و مرزی سبز بین آن‌ها) (باغ‌میشه، باغ‌شمال، شنب غازان، ربع رشیدی، شتربان، ششگلان، سرخاب، مهادمین، چهارمنار، گجیل و ...)، پوشش گیاهی بومی، مصالح بومی (درخت تبریزی، سنگ‌های ماسه آهکی، آجرهای قرمز و...)، پروژهٔ درحال انجام سبزکردن تپهٔ عینالی (کوه عون‌بن‌علی) در شمال تبریز و فواید مثبت آن بر محیط‌زیست شهر-اقلیم سرد کوهستانی، شرایط زندگی مطلوب و راحتی را در فصول گرم بر شهروندان و گردشگران فراهم می‌کند. رعایت اقتصاد در مصرف و تلاش مضاعف در تولید و مصرف (انرژی، کالا، طبیعت) برای تقویت محیط زیست است. فرهنگ زیست‌محیطی: پاکیزگی شهر و فضاهای شهری، فرهنگ بومی تولید و مصرف محصولات بومی، تولید زباله‌های خانگی مضر را کاهش می‌دهد.

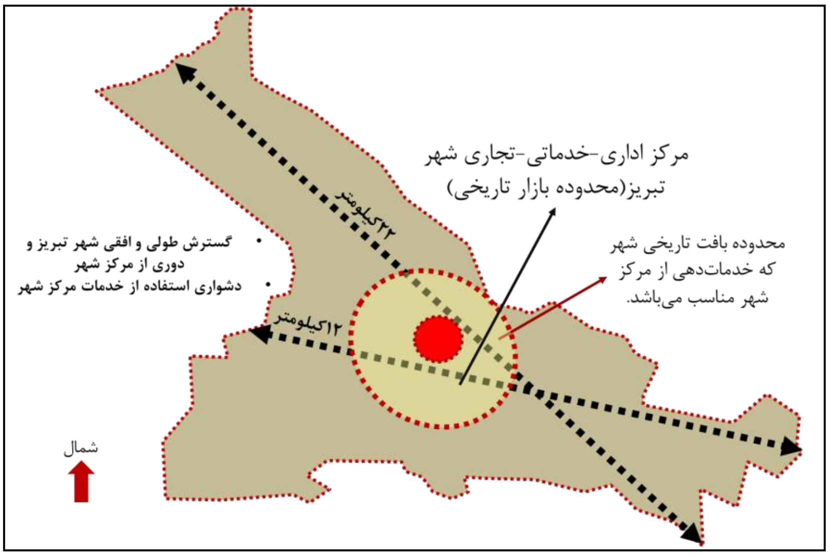
بافت مرکزی و تاریخی به‌ویژه بازار تبریز، با مسیرهای سرپوشیده، محیطی مساعد و راحت برای کار و فعالیت را فراهم می‌کند و... .

از نمونه‌ها و مصادیق منفی (نبود آسایش و راحتی در بُعد زیست‌محیطی) در شهر تبریز عبارت‌اند از: نبودن تعادل بین بارگذاری صنعتی_جمعیتی با توان‌های زیست‌محیطی منطقهٔ تبریز، کمبود فضاهای سبز و باز شهری (پارک، بوستان، تخریب باغات به‌مرور زمان)، بی‌توجهی به الگوهای اقلیمی‌بومی در ساخت‌وساز واحدهای سکونتی، تجاری، فرهگی و... (مانند پروژهٔ عتیق در بافت تاریخی، برج‌های محدودهٔ پل آب‌رسانی و...)، تأثیرپذیری شهر از پیامدهای منفی و نامطلوب **خشک‌شدن دریاچهٔ ارومیه** با افزایش ریزگردها و ذرات نمک، گسترش اراضی بایر و بی‌ارزش در منطقه به‌واسطهٔ خشک‌شدن تدریجی دریاچهٔ ارومیه، **سیل‌خیزی** اراضی غرب و جنوب شهر (مارالان، خطیب و...)، آلودگی جریانات سطحی داخل شهر مهران‌رود (قوری چای) و **دفع نامناسب فاضلاب‌ها و پساب‌های خانگی** و معابر شهری به بستر رودخانه، واقع‌شدن برخی از محلات و مجتمع‌های مسکونی در حریم پروازی فرودگاه (آلودگی صوتی)، کمبود آب (شرب و صنعتی) و استفاده از رودخانه‌های زرینه‌رود و سیمینه‌رود و تبعات زیست‌محیطی آن، بسط هستهٔ **جزیرهٔ حرارتی شهر و ایجاد هسته‌های جدید حرارتی** در بافت‌های صنعتی‌کارگاهیِ حاشیهٔ شهر که سبب بیماری‌ها و امراض قلبی و ریوی و شرایط نامناسب زیست برای سالمندان و کودکان را می‌شود، ناپایداری دامنه‌ها در بافت‌های حاشیه‌نشین و خودرو در شمال شهر تبریز و نشت فاضلاب‌ها و پساب‌ها به منازل پایین‌دست و... .



شکل ۵. مشکل سیل‌خیزی شهر تبریز؛ توپوگرافی شهر در شمال و جنوب شهر؛ روان‌آب‌های سطحی در بارش‌های تابستان ۱۳۹۱ که آسایش زندگی خصوصی و عمومی را بر هم زد (یافته‌های تحقیق)

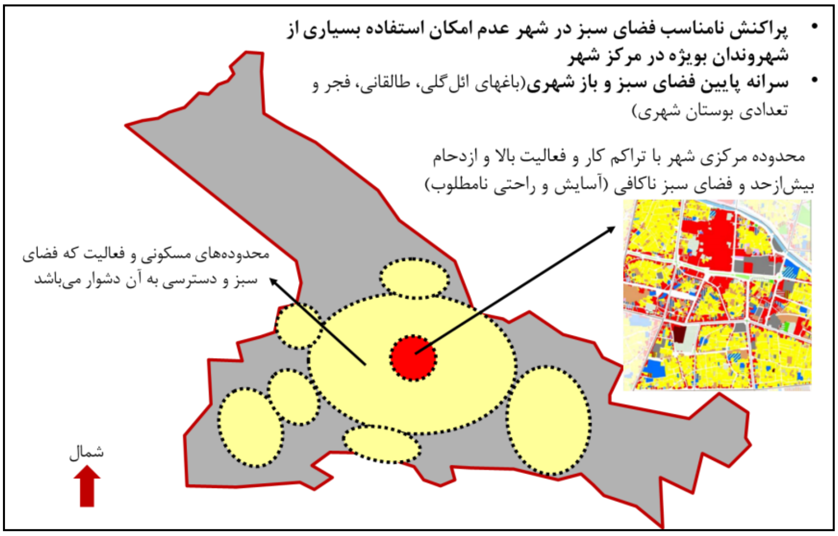
در نقشهٔ شمارهٔ ۵ همان طوری که مشاهده می‌شود توزیع فضاهای سبز در محدودهٔ مرکزی شهر کـم و ناکافی است. باتوجه‌به تراکم فعالیتی و ازدحام بیش‌ازحد در محدودهٔ مرکزی شهر، آسایش و راحتی در این محدوده پایین است.



شکل ٦. کمیت پایین فضای سبز به‌ویژه در محدودهٔ مرکز شهر تبریز؛آسایش و راحتی زندگی را تضعیف می‌کند (یافته‌های تحقیق)

حرج و مشقت در مسائل خدماتی (تأسیسات و تجهیزات شـهری): آسـایش شـهروندان در بُعـد خدمات، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. این امـر در پاسـخ‌دهی تأسیسـات و تجهیـزات شهری از مقیاس کلان تا خرد، موارد متعددی را شامل می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت در شـهر تبریـز عبارت‌اند از: شعاع مناسب محدودهٔ بافت تاریخی شهر تبریز از مرکز خدماتی شهر کـه دسترسـی آسـان را فراهم می‌کند (شکل ۱۲)، احداث پل‌بازارهای کارآمد و پاسخ‌ده در گذشته که قسمت شـمال مهـران‌رود را به مرکز خدماتی شهر ممکن می‌کند، وجود واحدهای پذیرایی، مهان‌پذیرها و هتل‌های کافی در سطح شهر بـرای مسـافران و گردشـگران (واحـدهای پـذیرایی و اقـامتی خیابـان فردوسـی، ۱۷شـهریور و...)، وجـود واحدهای تجاری با تولیدات بومی و با شعاع دسترسی مطلوب، وجود ایسـتگاه‌های آتش‌نشـانی بـه تعـداد کافی، فضاهای آموزشی دانشگاهی متعدد، وجود مسجد به تعداد کافی و در شعاع دسترسی راحتی، وجود خدمات درمانی و بهداشتی و خدمات‌دهی به تبریز و سایر شهرهای اطراف و... .

از طرف دیگر عوامل و نمونه‌های مخل آسایش و راحتی، مواردی بـه ایـن شـرح بـه چشـم می‌خـورد: کشیدگی و گسترش نامناسب شهر تبریز در راستای شمال شرقی و جنوب غربی و دوری از مرکـز خـدماتی شهر برای خدمات‌دهی (شکل ۱۲)، سرانۀ ناکـافی تأسیسـات و تجهیـزات شـهری، نبـودن تناسـب تـراکم جمعیتی و خدمات موجود، کمبود سرویس‌های بهداشـتی در سـطح شـهر و کیفیـت پـایین آن‌هـا، وجـود پهنه‌های وسیع صنعتی در شهر و حومۀ آن (برهم‌زدن سهولت ارائۀ خـدمات موردنیـاز محـدودۀ مربوطـه)، وجود پهنه‌های وسیع نظامی فراوان در داخل و حومۀ شهر، کمبـود فضـاهای ورزشـی و تفریحـی و شـعاع نامطلوب آن‌ها، کمبود فضاهای فرهنگی و تفریحی در سطح شهر، کمبود فضاهای آموزشی محلی و شعاع نـامطلوب آن‌هـا، تغییـر الگـوی معمـاری و طراحی‌شـهری واحـدهای خـدماتی از بـومی بـه غیربـومی (مجتمع‌های تجاری، پاساژها و...).



شکل ۷. گسترش نامناسب شهر تبریز در راستای شمال غربی، جنوب شرقی و دوری از مرکز شهر، دشواری استفاده از خدمات مرکز شهر **(نگارنده)**

در منطقۀ ۸ شهر تبریز-بافت تاریخی و محدودۀ بازار تبریز- مرکز تجاری، اداری و خدماتی شهر است که با تراکم بالای فعالیتی، کاربری و تردد سواره و پیاده مواجه است. عملکردهای مهم این منطقه عبارت‌اند از: بازار تاریخی تبریز با عملکرد فراشهری، پاساژها، محورها و مراکز تجاری نـوین، اداره‌هـای پرمراجعـه (به‌ویژه دارایی، استانداری، بانک‌ها، شهرداری و...)، مراکز فرهنگی و مـذهبی (مسـجد جـامع و مسـاجد شهری و ناحیه‌ای، مصلا و موزه‌ها) و مراکـز خـدماتی (هتل‌هـا، مهمان‌پـذیرها، رسـتوران‌ها و محورهـای

خدماتی؛ مانند فردوسی، تربیت، بازار، جمهوری، چای‌کنار و...)، مراکز ترافیکی (پایانهٔ دورن‌شهری محققی، پارکینگ‌های طبقاتی، ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی).

این محدوده علی‌رغم نقاط قوت متعدد، ازنظر غنای کالبدی و عملکردی و خودکفابودن در پاسخ‌دهی به نیازهای مراجعان، نقاط ضعف متعددی دارد (جدول شمارهٔ ۵): آلودگی صوتی، آلودگی آب‌وهوا و کمبود پارکینگ و کمبود مبلمان شهری و مکان‌های استراحت موقت برای مراجعان در این محدوده بسیار مشهود است. در طرح کاربری پیشنهادی این منطقه به فضای سبز و باز که سرزندگی و آسایش و راحتی را تقویت می‌کنند کم‌توجهی شده است. در بُعد خدماتی، به واحدهای خدماتی ریزدانه که می‌توانند در محدودهٔ تاریخی با پیچیدگی‌های خاص راهگشا باشد، توجه نشده است. شبکهٔ پیاده‌راهی که می‌تواند در این محدودهٔ تاریخی سهولت تردد پیاده‌ها را افزایش دهد، وجود ندارد. این پیاده‌راه‌ها در خیابان‌های مقصودیه، راسته کوچه، کبود، دارایی، بازار، گجیل و... می‌تواند برنامه‌ریزی و طراحی شود. تغییرات در این طرح، محدود به فلکهٔ بیضوی در چهارراه منصور (معروف به پروژهٔ عتیق) است که با تخریب بافت تاریخی_با هدف نوسازی بافت فرسوده و تسهیل حرکت سواره و بی‌توجهی به پیاده_ در این محدوده انجام شده است؛ احداث برج در جنوب فلکه، گودال باغچه با بناهای تجاری مدرن در پیرامون و... .

در این طرح به احیای روخانه مهران‌رود و نقش آن در تأمین آسایش و راحتی شهروندان توجه چندانی نشده است.

جدول ٦. مشکلات منطقهٔ ۸ تبریز، محدودهٔ بازار تاریخی ازنظر کیفیت آسایش و راحتی(نگارنده)

ابعاد	سرانه	نمودهای آسایش و راحتی	موانع آسایش و راحتی
دسترسی و حمل‌ونقل	۲۲٪	مسیرهای سرپوشیدهٔ پیاده‌مدار بازار تاریخی	مسیرهای یک‌طرفه، کمبود پارکینگ، تراکم ماشین‌ها و گرفتگی ترافیکی
		وجود پیاده‌راه تربیت	پل‌های هوایی پیاده و سواره، سروصدای مزاحم و آزاردهنده، دشواری تردد برای گروه‌های کم‌توان
طبیعی و	۸۳٪	تعادل دمایی و آسایش	کمبود فضاهای سبز و باز شهری، سرانهٔ

زیست‌محیطی		اقلیمی در بازار تاریخی	پایین فضای سبز، نیاز مبرم به فضاهای سبز
		استفاده از مصالح بومی و طبیعی	مشکل آسایش اقلیمی در فضاهای سر باز، احساس ناراحتی به‌دلیل کمبود گیاه و آب
			آلودگی صوتی آزاردهنده
خدمات شهری	۱٤/۹٥٪	خودکفایی مجموعۀ بازار تاریخی ازنظر خدمات (مذهبی و بهداشتی و...)	تراکم فعالیتی بالا، سرانۀ پایین تأسیسات و تجهیزات شهری، کمبود سرویس بهداشتی در محدوده، کمبود مبلمان شهری در محدوده
اجتماعی و فرهنگی	۲۸٪	وجود تعداد زیاد مساجد در محدوده	نپذیرفتن فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر از سوی مردم؛ کم‌توجهی به گردشگران و غیربومیان
		حس مکان و حس تعلق‌خاطر قوی	کاهش تدریجی شأن اجتماعی محلات قدیمی و تاریخی شهر
		حس همبستگی اجتماعی	

حرج و مشقت در مسائل فرهنگی و اجتماعی: آسایش و دشواری در بُعد فرهنگی و اجتماعی، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت در شهر تبریز می‌توان به این موارد اشاره کرد: حس مکان قوی در شهر و محل زندگی خود توسط شهروندان، همبستگی اجتماعی و بافت اجتماعی همگن، آیین‌ها و مراسم قوی مذهبی، قومی و فرهنگی، کمبود فضاهای آموزشی محلی و شعاع نامطلوب آن‌ها، توجه وافر به زبان آذری به‌عنوان یکی از مهمترین ابعاد هویت اجتماعی و فرهنگی، توانایی‌های مثال‌زدنی شهروندان در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی (روابط اجتماعی، آشپزی، خانه‌داری، تلاش و کوشش و...).

از طرفی دیگر، عوامل و نمونه‌های مخل آسایش و راحتی مواردی به این شرح به چشم می‌خورد:

نپذیرفتن فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر از سوی مردم (بیگانه‌گریزی و شکل‌نگرفتن تبریز به‌عنوان شهر چند فرهنگی)، کاهش تدریجی شأن اجتماعی محلات قدیمی و تاریخی شهر و تمایل جمعیت بومی به خروج از آن‌ها و جایگزینی اقشار فرودست و بدون تعلق خاطر به این محلات، کمبود فضاهای شهری ایمن و امن و سرزنده متناسب با نیازهای جمعیتی شهر تبریز، گسترش حاشیه‌نشینی و محلات فقیرنشین در شهر و پایین‌بودن سطح و سرانهٔ خدمات عمومی و رفاهی در آن‌ها، دوقطبی‌شدن شهر و دونیمه‌شدن آن به‌لحاظ سطح توسعه‌یافتگی و شکل‌گیری تبریز نو در شرق و تبریز کهنه در غرب، رشد تدریجی آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه در محلات فقیرنشین شهر و وجود محلات بحرانی ازنظر خریدوفروش و مصرف مواد مخدر.

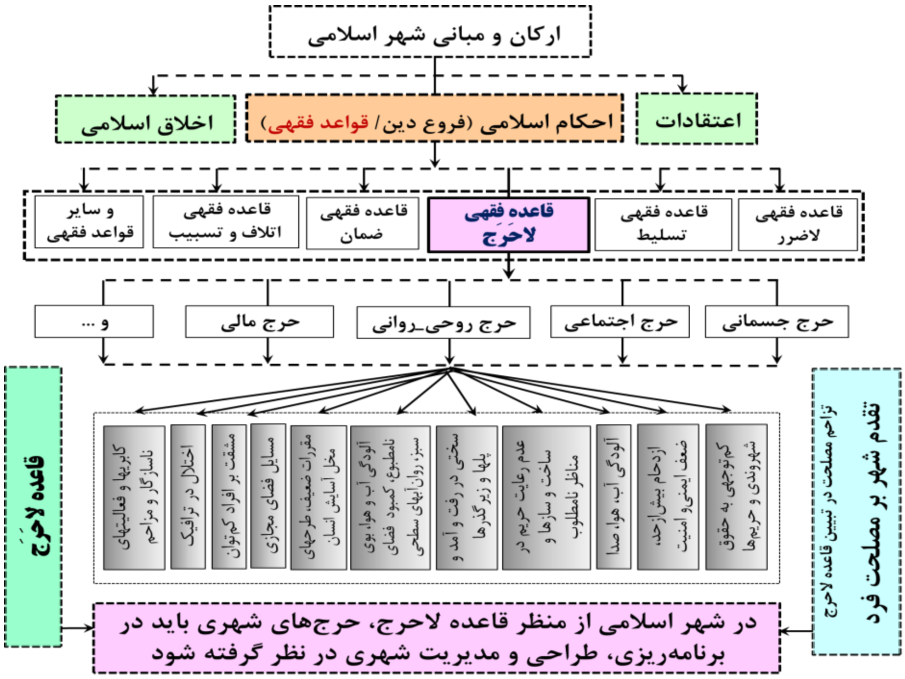
۶. تزاحم مصلحت و نفی حرج در شهر و مدیریت شهری

ازجمله موارد باب تزاحم، مواردی است که مصلحت فرد (یعنی حکمی که به‌دلیل مصلحت فرد است) با مصلحت اجتماع تزاحم و تعارض پیدا می‌کند. البته در همهٔ موارد این‌طور نیست، ولی گاهی پیش می‌آید که مصلحت فرد با مصلحت جمع تعارض پیدا می‌کند. خیلی واضح است که برای اسلام همهٔ افراد یکسان هستند، ولی وقتی که پای [ترجیح] مصلحت یک فرد یا مصلحت جمع در میان است، بدیهی است که آن جمع، همین فرد است به‌علاوه هزارها یا میلیون‌ها نفر افراد دیگر؛ یعنی مصلحت فرد در آنجا هزارها یا میلیون‌ها برابر شده است. [در اینجا] فرد را فدای جمع می‌کند (مطهری، ۱۷). یافته‌های جدید دانش اصول حاکی است که تنها مرجع مطمئن در تزاحم، احکام قانون اهم و مهم است. قانون اهم و مهم که مبتنی بر مصالح احکام است، بیان می‌کند که اگر در نزد شارع مالکِ یکی از دو حکم، از مالک حکم دیگر قوی‌تر باشد، همان حکم بر حکم دیگر مقدم می‌شود. یکی از مصادیق قانون اهم و مهم همان قانون دفع افسد به فاسد است که چیزی جز اهمیت‌سنجی اعمال حرام نیست. بنابراین ماهیت قانون اهم و مهم همان تشخیص مصلحت و مفسده موجود در احکام و سنجش آن‌ها با یکدیگر است (جزایری و عشایری منفرد، ٢٦). حق گاهی با یک حکمِ صرفاً شرعی که دربردارندهٔ حق‌الناس نیست و گاهی هم با یک حق دیگر تنافی می‌یابد که حالات مختلف آن عبارت‌اند از: الف. تقدیم حق‌الناس بر حق‌الله، ب. تقدیم حق‌الله بر حق‌الناس، ج. تفصیل بین موارد (همان، ۳۲تا۳۳). تزاحم مصلحت در باب حرج‌های شهری می‌تواند در همان انواع حرج‌های شهری و مصادیق آن‌ها در قالب تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد تبیین شود که در قالب جدول شمارهٔ ۷ درخور ملاحظه است.

جدول ۷. تزاحم مصلحت در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

ابعاد حرج	مصادیق حرج در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری	تزاحم مصلحت	
حرج اجتماعی	اختلال در ترافیک سواره، ازدحام پیادگان، بوروکراسی، مسائل فضای مجازی، تضییع حقوق شهروندی، مشقت برای معلولان	تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد	تقدم حمل‌ونقل عمومی بر خصوصی تقدم حقوق افراد کم‌توان
حرج جسمانی	شیوع بیماری‌های همه‌گیر، ناایمن‌بودن بناهای عمومی به‌ویژه در سوانح و بحران‌ها (سیل، زلزله، طوفان و...)، آلودگی آب‌وهوا و صدا		محدودیت‌های حضور در فضاهای عمومی، ایمن‌سازی بناها و فضاها، تدابیر ویژهٔ رفع آلودگی‌ها
حرج روحی روانی	ترس و ناامنی در بناها و فضاهای عمومی، استرس‌های محیطی		کنترل و اتخاذ مقررات و محدودیت‌های لازم
حرج مالی	دلالی و بی‌نظمی اقتصادی، اتلاف سرمایهٔ عمومی، واسطه‌گرای		ساماندهی، تقدم راحتی اجتماع بر فرد

به‌طورکلی باتوجه‌به تحلیل مبانی، مصادیق و ابعاد مختلف حرج‌های شهری و جایگاه آن در شهر می‌توان گفت که شهر اسلامی محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی است. یکی از این قواعد، قاعدهٔ لاحرج است که به حرج‌های جسمانی، روحی و روانی، اجتماعی، مالی و... می‌پردازد. در شهر اسلامی از منظر قاعدهٔ لاحرج، حرج‌های شهری باید در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری در نظر گرفته شود؛ چنان‌که اولاً حرج‌های شهری زمینهٔ نقش احکام الهی و سایر قواعد فقهی نباشند؛ ثانیاً حرج‌های شهری مانع انجام تکالیف شرعی نباشند. در کنار این مسائل و حرج‌های شهری، مسئله تزاحم مصلحت و نفی حرج در زندگی شهری و مدیریت شهری هم ایجاب می‌کند که مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد مقدم است. همچنین مرجع تشخیص قواعد فقهی در شهر و شهرسازی و حرج‌های شهری بایستی توسط متخصص معماری و شهرسازیِ مسلط به قواعد فقهی باشد. البته تربیت معماران و شهرسازان مسلط به قواعد فقهی نیازمند آموزش نزد فقیهان آشنا به معماری و شهرسازی هست و ارتباط دوطرفهٔ دانشگاه و حوزه در این خصوص ضروری است.



شکل ۸. ابعاد و مصادیق حرج‌های شهری در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

نتیجه‌گیری

قاعدهٔ عسروحرج از قوانین اسلامی است و این قانون مانند تمام قوانین دیگر برای رفاه بشر است. این موضوع در آیات متعدد قرآن کریم در نفی دشواری و سختی برای انسان و نیز روایات متعدد بر آن تأکید شده است. در معماری و شهرسازی اسلامی علاوه بر کیفیت‌های عام و خاص طراحی شهری، بر رعایت حریم و اشرافیت، رعایت حقوق خداوند و مخلوقات (قاعدهٔ لاضرر) و... تأکید می‌شود. در حوزهٔ طراحی شهری می‌توان در نمونه‌های موردی، ضمن محک اسلامی و آزمون قاعدهٔ نفی عسروحرج در شهر، محله، فضای شهری به ارزیابی و تحلیل آن پرداخت و در راستای ارتقای کیفیت مذکور اقدام کرد. در نمونهٔ موردی شهر تبریز، برای امر کیفیت آسایش و راحتی، نقاط قوت و ضعف متعددی مشاهده شد که در ابعاد کالبدی، حمل‌ونقل، محیط‌زیست، کاربری و فعالیت، فرهنگی و اجتماعی، مدیریت شهری، خدمات و زیرساخت‌های شهری به آن پرداخته شد.

به‌طورکلی می‌توان گفت قاعدهٔ لاحرج در شهرسازی اسلامی می‌تواند حرج‌های جسمانی، اجتماعی،

روحی و روانی، مالی و... را شامل شود. آزمون این قاعده در هر فضایی می‌تواند به روشن‌شدن وضعیت آن و ارائهٔ راهکارهای عملی راهگشا باشد. راهبردهای معطوف بـه قاعـدهٔ نفـی عسـروحرج در برنامـه‌ریزی و طراحی شهرهای ایرانی‌اسلامی عبارت‌اند از: توجه به آسایش و راحتی شهروندان در برنامه‌ریزی و طراحـی خانه‌ها و محلات مسکونی (پرهیز از احداث آپارتمان‌های بدون پارکنیگ، آسانسور، حیـاط و فضـای سـبز و...)، پرهیز از ایجاد شهرک‌های مسکونی در فاصلهٔ دور از مرکز شـهر و مراکـز کـار و تحصـیل و اشـتغال شهروندان، رعایت فاصلهٔ مناسب بین خانه و کار و تحصیل، توجه به راحتی، آسایش و آرامش اقشار سنی و جنسی کم‌توان (زنان، کودکان، معلولان، سالمندان، بیماران) در طراحی فضاهای شهری و مبلمان شهری و خدمات رفاهی، توجه به آسایش و آرامش شهروندان در برنامـه‌ریزی و طراحـی بناهـا و فضـاهای عمـومی (نظیر بازارها، پارک‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی، ادارات و مدارس)، ایجاد فضاهای شهری آرامش‌بخش با استفاده از الگوی باغ ایرانی، حضور آب و گیاه، رنگ‌های آرامش‌بخش (مسـئلهٔ آلـودگی صـوتی فضـاهای شهری سواره‌مدار و استرس‌زا با رویکرد نفی عسروحرج حل شود)، جلوگیری از رشد بیش از حد شـهرها و حومهٔ آن‌ها به‌دلیل دشواری خدمات‌رسانی، مدیریت و تردد به آن بافت‌هـا، بـازنگری در مبـانی و مقـررات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، طرح‌های شهری بـا رویکـرد آسـایش و آرامش‌بخشـی و تحقـق قاعـدهٔ نفـی عسروحرج، بازنگری در مقررات ملی ساختمان و قوانین شهرداری‌ها با هدف ارتقای آسـایش و آرامـش در بناها و فضاها و تحقق قاعدهٔ نفی عسروحرج در کالبد شـهری، بازشناسـی آسـیب‌های اجتمـاعی (بـه‌ویژه حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری و فضاهای ناامن) با هدف حل ریشـه‌ای ایـن مسـائل و جلـوگیری از بازتولیـد مسائل دیگر شهری.

منابع

قرآن کریم، ترجمهٔ محمدمهدی فولادوند

احمدزاده، عبدالمطلب و دیگران، «کاربرد قواعد فقهی (نظیر قاعدهٔ نفی حرج و قاعدهٔ غرور) در عصـر ارتباطـات»، فصلنامهٔ علوم خبری، س٤، ش١٤، ١٣٩٤، صص١١٧تا١٥٠.

بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیة، قم: اسماعیلیان، بی‌تا.

تابنده، زهرا، «بررسی قاعدهٔ عسروحرج از دیدگاه قرآن و حدیث»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشـد علـوم قرآنـی، تهـران: دانشکدهٔ اصول‌الدین تهران، ۱۳۹۰.

جزایری، سیدحمید؛ محمد عشایری منفرد، «قلمرو مصلحت و عدالت در تزاحم احکام و حقـوق زنـان»، فصـلنامهٔ مطالعات راهبردی زنان، س١٤، ش٥٤، ۱۳۹۰، صص٧تا٥٨.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

شریف الرضی، محمدبن‌حسین، نهج‌البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، چاپ‌اول، تهران: سنا، ۱۳۸۸.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، ۱۴۱۲ق.

شاهین‌فرد، خاطره و دیگران، «شمول‌پذیری قاعدهٔ لاحرج نسبت به حرج‌های غیرجسمانی و پیامدهای فقهی آن»، نشریهٔ فقه پزشکی، س۸، ش۲۶ و ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص۲۲۵تا۲۶۱.

ـــــــــــــــــــ، «گسترهٔ مفهومی قاعدهٔ نفی عسروحرج در ابواب فقهی و نسبت آن با واژه‌های مشابه»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، س۱۰، ش۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص۴۳تا۶۷.

علوی گنابادی، سیدجعفر؛ علی‌اکبر حبیبی مهر، «کاوشی در حلّ نسبتِ تعارض‌نمایی قاعدهٔ الحرج با اعمال حرجی اسلام پاسخ‌ها و تحلیل‌ها»، نشریهٔ فقه و اصول، س۵۲، ش ۳، ۱۳۹۹، صص۷۳تا۹۱.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، اصول کافی، ترجمهٔ سیدجواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیه السلام، ۱۳۶۳.

محسنی، رضاعلی، «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل شهری در ایران: مطالعهٔ موردی شهر گرگان»، پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی، س۳، ش۳، ۱۳۸۸، صص۲۳تا۴۲.

محقق داماد، مصطفی، قواعد فقهی، چاپ‌دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.

مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، ج۲، تهران: صدرا، ۱۳۹۱.

مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، چاپ‌چهارم، قم: مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابیطالب، ۱۰۱۶ ق.

موسوی، سیدابراهیم، «قاعدهٔ نفی عسروحرج»، فصلنامهٔ علمی‌پژوهشی حقوقی و قضایی دادگستری، س۶۵، ش۳۴، ۱۳۸۰، صص۳۳تا۵۰.

نراقی، احمدبن‌محمدمهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

نقره‌کار، عبدالحمید، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، چاپ‌اول، بی‌جا: وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۷.